

آثار جرم شناختی آزادی مشروط در حقوق کیفری ایران

رضا حسن نژاد عمرانی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی حقوق، موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش و فارغ التحصیل کارشناسی رشته علوم اجتماعی گرایش پژوهشگری دانشگاه تبریز

چکیده

آزادی مشروط یعنی صدور حکم آزادی محکوم علیه از حبس یا تبعید توسط دادگاه صادر کننده حکم محکومیت قطعی با رعایت شرایط مقرر در قانون؛ با این قید که محکوم علیه در مدتی معین که قانون مشخص کرده است باید مواردی را رعایت کند تا آزادی او قطعی گردد و این مهم یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم و تدبیر مؤثری برای پیشگیری از بزهکاری است و همواره فرض بر این است که این نهاد ارفاقی در کنار احیاء اصل فردی کردن مجازات‌ها، سازگاری اجتماعی و باز پروری محکومان به حبس را تسهیل می‌کند. به بیان دیگر، آزادی مشروط امتیازی است که قانونگذار برای اصلاح و حضور مجدد زندانی در جامعه به او اعطا می‌کند. استفاده از این امتیاز توسط زندانی منوط به احراز شرایطی است که با رعایت آن محقق می‌شود. قانونگذار از طریق این نهاد به دنبال اصلاح در زمان و بازسازی مجرمین بوده، به طوری که آزادی مشروط را می‌توان مفهوم وسیع مجازات حبس عنوان نمود که به وسیله این نهاد زندان به طور کامل و قطعی حذف نمی‌شود، بلکه می‌توان آن را گاهی در جهت کاهش جمعیت کیفری زندان دانست. تقاضای آزادی مشروط از سوی محکوم و اعطای آن از سوی مرجع صالح، مستلزم طی مراحل و انجام تشریفاتى همچون پیشنهاد توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری و بررسی تقاضا توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آزادی مشروط، مجازات، حبس، محکوم علیه، دادگاه صادر کننده حکم

مقدمه

قانونگذار ایران از دیرباز با پذیرش تأسیس قضایی آزادی مشروط گام‌های مؤثری در اجرای سیستم کیفرزدایی و به طور خاص زندان زدایی برداشته است که در جهت نفع محکوم و جامعه می‌تواند به اصلاح و تربیت بزهکار کمک کند و او را بازگشت قطعی به کانون خانواده و جامعه خویش ترغیب و تشویق نماید لازمه این عمل اصلاح و ایجاد زیر ساخت‌هایی در دستگاه قضا و سازمان زندان‌ها می‌باشد. آزادی مشروط، یک تدبیر اجرای مجازات است که هدف باز پروری محکوم و پیشگیری از تکرار جرم را دنبال می‌کند. این نهاد، تعلیق اجرای مجازات سالب آزادی را به دنبال دارد. بر این اساس قانونگذاران بر آن شدند نهادی را تحت عنوان آزادی مشروط تأسیس نمایند تا محکومانی که در دوران حبس از خود حسن اخلاق نشان داده و پشیمانی و تنبه را ابراز نموده‌اند از کیفر رهایی یابند و تهدید اعمال دوباره مجازات نیز در این وضعیت ابزار مناسبی برای جلوگیری از تکرار جرم خواهد بود. به بیان دیگر سیاست کیفری آزادی مشروط فرصت و مجال برای مجرمین به حبس است تا با نشان دادن حسن اخلاق و رفتار خود بتوانند به آزادی مطلق برسند و این باعث می‌شود مجرم برای بازگشت به اجتماع تا حدی که می‌تواند دست به جرم دیگری نزنند که این خود باعث اصلاح و انطباق اجتماعی بزهکار می‌شود که یکی از اهداف مجازات است که در پی آن مجرم از آسیب‌های منفی زندان دور می‌ماند و حتی باعث می‌شود مجرم برای دستیابی به آزادی مشروط از خود مستمراً حسن اخلاق نشان دهد که این خود تا حدودی باعث بهبود محیط و رفتار دیگر زندانیان نیز می‌شود و می‌تواند با ایجاد راهکارهای جدید در قانون و ایجاد شرایطی برای زندانیان که برای دومین یا سومین بار محکوم به حبس شده با توجه به نوع جرم و شرایط روحی و اخلاقی مجرم، آن‌ها نیز از آزادی مشروط استفاده کنند و شاید امیدی هر چند کوچک برای تربیت و بهبود رفتار آن‌ها باشد، اما این شرایط در مورد مجرمینی که از سنین پایینی برخوردارند، می‌تواند مؤثر باشد. بر اساس قانون مجازات ۱۳۹۲، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، دیگر نقشی در زمینه پیشنهاد آزادی مشروط نداشته و پیشنهاد آن، با دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری می‌باشد، به این صورت که رئیس زندان محل گذراندن محکومیت، گزارش مربوط به وضعیت زندانی را در مورد این که همواره حسن خلق و رفتار داشته و وضعیت او نشان می‌دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نخواهد شد، تهیه می‌کند و به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رساند و قاضی اجرای احکام مکلف است پس از احراز شرایط فوق‌الذکر، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه صادرکننده حکم تقدیم کند. (شمس ناتری و احمدی ناطور، ۱۳۹۴: ۱۴۷) اعطای آزادی مشروط می‌بایست توسط دایره اجرای احکام دادگستری یا زندان‌ها از بدو ورود مجرم به زندان به وی تفهیم گردد تا بداند در صورت احراز شرایط یاد شده از آزادی مشروط برخوردار خواهد شد و زندانی از همان بدو ورود به صورت هدفمند در راه تحصیل شرایط و اصلاح خویش تلاش کند. حتمیت و قطعیت مراقبت قرار دادن محکوم در هنگام تحمل حبس در جهت تحصیل شرایط لازم و همچنین در طول مدت آزادی مشروط در جهت عدم تخلف از شروط قید شده در حکم

آزادی به جد انجام پذیرد و حال که در زندان‌ها مسئولیت اعلام و اعمال آزادی مشروط به دستگاه قضا بدون هیچگونه نصی از قانون به عهده واحد مددکاری که عموماً با تحصیلات در رشته روانشناسی و غیر حقوقی تشکیل شده است بهتر در این واحد افرادی هم با تخصص حقوق بکار گماشته شود تا با توجه به تخصصی بودن موضوع نتایج بهتری حاصل آید. بنابراین در این مقاله آثار جرم شناختی آزادی مشروط در حقوق کیفری ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- مفهوم آزادی مشروط

آزادی مشروط بدین معنی است که، زندانی تحت شرایطی به صورت مشروط، قبل از اتمام مدت محکومیت خود، از زندان آزاد می‌شود و باید یک سری از دستورات و مقررات را اجرا کند و در آخر مدت نیز بر طبق نظر قانونگذار و دادگاه، آزادی او قطعی می‌شود. از نظر برخی حقوق دانان آزادی مشروط فرصت و مجالی است که پیش از پایان دوره محکومیت به محکومان در بند داده می‌شود تا اگر چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورهای دادگاه را به موقع اجرا گذارند، از آزادی مطلق برخوردار شوند. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۵) برخی دیگر معتقدند آزادی مشروط نوعی فردی کردن نیمه قضایی، نیمه اجرایی است که توسط مقامات اجرایی و قضایی مشترکاً اعمال می‌گردد. (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۴۰) برخی دیگر از صاحب‌نظران، معتقدند که آزادی مشروط تعلیق محدود، مشروط و معلق بزهکار است که اساس این تعلیق، پایش و به آزمایش گذاردن شیوه رفتاری مرتکب و کشف ظرفیت وی در جهت بازاجتماعی شدن است. از این جهت، در فرض رعایت شرایط مقرر و تشخیص اصلاح و درمان وی، آزادی موقت او تبدیل به آزادی دائمی شده و در غیر اینصورت، با ترتیبات گاه مشددتری، دوران محکومیت وی ادامه می‌یابد. (باهری، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۷۳) با این حال، از منظر قانونی نیز باید گفت که حسب ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند در مورد محکومان به حبس بیش از ده سال پس از تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مدت مجازات به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام با رعایت شرایط مقرر در این ماده حکم به آزادی مشروط صادر کند. که نظام آزادی مشروط هم به نفع جامعه است و هم به نفع خود فرد (زندانی)، به این صورت که جامعه می‌تواند از فرد استفاده کند و به اهداف مجازات‌ها برسد و باعث اصلاح و بازاجتماعی کردن زندانی شود و همچنین زندانی به اصلاح نزدیک تر می‌شود و موجبات پیشگیری از تکرار جرم به وجود می‌آید و از طرفی هم به کاهش جمعیت کیفری زندان کمک می‌کند و باعث می‌شود که زندان بهتر مدیریت شود. سیاست گذاران کیفری آزادی مشروط را یکی از ابزارهای مقابله با تکرار جرم دانسته و امیدوارند که تهدید اجرای مجازات در مدت آزادی مشروط تغییر مطلوبی در رفتار محکومان پدید آورد. به این ترتیب، فرض بر این است که سازگاری اجتماعی محکومان به حبس که عموماً پس از پایان محکومیت و از سرگیری زندگی جدید با دشواری جدی رو به رو هستند و احتمال

سقوط آنان قوی است، تسهیل گردد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۲۲۶) آزادی مشروط باعث می‌شود که در مخارج عمومی کشور صرفه جویی شده و به افراد صالح جامعه، هزینه نگهداری زندانی تحمیل نگردد. در غیر این صورت، افراد جامعه ناچارند به طور غیرمستقیم هزینه آن‌ها را متقبل شده و این وجوه بی جهت، صرف عده‌ای از افراد شود که حقوق جامعه را نادیده گرفته‌اند. (شامبیاتی، ۱۳۹۳: ۱۸۰)

۲- آثار اعطای آزادی مشروط

یکی از آثار آزادی مشروط این است که اصل مجازات آزادی مشروط به صورت موقت اجرا نمی‌شود و دارای آثار حقوقی از جمله احتساب برای تکرار جرم و عدم استفاده از تعلیق اجرای مجازات می‌باشد. وفق قانون باید مقرراتی وجود داشته باشد که چنانچه زندانی نظم محیط زندان را رعایت کند و به اصول و مقررات زندان پایبند باشد و در طول مدت حبس، راه‌های اصلاح و بازاجتماعی شدن را بپیماید، می‌تواند از آزادی مشروط استفاده کند، این خود باعث تشویق زندانی می‌شود که هرچه سریعتر راه‌های اصلاح و برنامه‌های تربیتی را انجام دهد و از دیگر سو در پیشگیری از تکرار جرم مؤثر خواهد بود. اجرای روش آزادی مشروط یکی از موارد مهم تشویق زندانیان به کار، حفظ نظم و آرامش، حسن سلوک رفتاری با دیگران محسوب می‌شود و از اثرات سوء محیط زندان تا حدودی جلوگیری کرده و در اصلاح و تربیت زندانیان نیز در بین مرحله زندان و آزادی بسیار مؤثر و مفید است. از جهت علمی نیز نگاهداری مجرمی که اصلاح شده بی فایده است و علاوه بر آنکه جامعه می‌تواند از نیروی فعال او استفاده کند، باید امکانات موجود در جهت اصلاح دیگران به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، آزادی مشروط علاوه بر نفع فردی متضمن منافع اجتماعی و متکفل دفاع اجتماعی نیز هست، بدین لحاظ در قانونگذاری‌های مختلف، آزادی مشروط محکومان به حبس پذیرفته شده است و یکی از مبانی سیاست جنایی جدید به شمار می‌رود. (نوربها، ۱۳۹۲: ۴۳۰) مطابق ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد، جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است. به عنوان مثال اگر مجازات جرمی سه ماه تا دو سال حبس باشد و قاضی فاعل این جرم را به نه ماه حبس محکوم نماید و محکوم علیه سه ماه از مدت محکومیت خود را تحمل نماید و سپس با استفاده از آزادی مشروط از زندان آزاد گردد، در این صورت با وجود اینکه بقیه مدت محکومیت شخص مورد نظر فقط شش ماه بوده است، مع الوصف قاضی می‌تواند با توجه به قسمت اخیر ماده ۵۹ قانون جدید حکم آزادی مشروط وی را به مدت شش ماه در نظر بگیرد. همچنین قانونگذار در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی جدید تمدید آزادی مشروط را از یک تا دو سال در صورت عدم تبعیت زندانی از دستورات دادگاه در دوران آزادی مشروط پیش بینی نموده است. از سوی دیگر چنانچه باقی مانده مدت حبس بیشتر از پنج سال باشد، در این صورت قاضی نمی‌تواند برای آزادی مشروط،

مدتی بیشتر از پنج سال در نظر بگیرد. بر طبق ماده ۶۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط، به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند. دادگاه، دستورهای مذکور و آثار عدم تبعیت از آن‌ها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید را در حکم خود قید و به محکوم تفهیم می‌کند. بدین ترتیب و با لحاظ مفهوم مخالف این ماده، می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که التزام به دستورهای مراقبتی صادره از سوی دادگاه از سوی مرتکب، در حقوق ایران می‌تواند بزهکار را از آزادی نهایی برخوردار سازد. بدین ترتیب، باید گفت که با لحاظ این ماده در حقوق ایران، آزادی نهایی مرتکبی که ملتزم به دستورات و تدابیر مراقبتی صادره از سوی دادگاه بوده، به عنوان دلیل و نه اماره برای برخورداری وی از آزادی مطلق محسوب می‌گردد. در حقوق ایران و با توجه به صراحت قانونی، تبعیت از دستورات دادگاه موجب آزادی مطلق فرد محکوم می‌شود. با این حال و بر اساس ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی، هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود و در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می‌آید، در غیراینصورت آزادی او قطعی می‌شود، بر صحت این مدعا می‌افزاید. در حقوق ایران، مقنن صراحتاً به بیان ضمانت اجرا و آثار ناشی از عدم التزام به دستورهای و تدابیر دادگاه صادرکننده آزادی مشروط پرداخته و در حقیقت، به موجب ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجراء در می‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود. همچنان که از مفاد این ماده بر می‌آید، مقنن ایرانی، اثر و ضمانت اجرای عدم تبعیت از دستورات دادگاه را در دو مرحله پیش‌بینی نموده است. بدین توضیح که در مرحله اول که شخص بدون عذر موجه ملتزم به تبعیت از تدابیر و دستورات دادگاه نمی‌گردد، یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی اضافه نموده و در صورت تکرار آن، قرار لغو آزادی مشروط را صادر می‌نماید.

۳- شرایط اعطای آزادی مشروط

دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط به اجرای دستورهای مندرج در قرار تعویق صدور حکم، ملزم کند؛ همچنین دادگاه می‌تواند در صورتی که محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، برای بار نخست یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی اضافه

کند و در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت به اجرا در آورد؛ در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود و در جرایم تعزیری تا درجه پنج، نیز دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیک قرار دهد. به استناد ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، مدت آزادی مشروط شامل بقیه مجازات می‌شود، اما دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و بیشتر از پنج سال باشد؛ جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است. در جرایم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه الکترونیک قرار دهد. همچنین دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد. صدور حکم آزادی مشروط در صلاحیت دادگاه صادر کننده محکومیت قطعی است. هنگامی که حکم دادگاه بدوی عیناً تأیید گردد آن دادگاه، دادگاه صادر کننده حکم قطعی خواهد بود، اما چنانچه با اصلاحات یا تغییراتی در مرجع تجدید نظر مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد، این دادگاه صادر کننده محکومیت قطعی محسوب می‌شود.^۱ دادگاه مکلف به پذیرش درخواست آزادی مشروط نمی‌باشد و از عبارت «دادگاه صادرکننده حکم می‌تواند» چنین بر می‌آید که دادگاه مواجه با تکلیفی در خصوص پذیرش آزادی مشروط نمی‌باشد و از آنجایی که اعطای آن به محکوم قانوناً ارفاق تلقی می‌شود. بنابراین رد تقاضا قابل شکایت نیست، اما رد تصمیم آزادی مشروط مانع تقاضای دوباره نیست. با توجه به متن ماده تصمیم دادگاه مبنی بر رد یا قبول پیشنهاد، حکم محسوب می‌شود. در اینکه آیا محکوم علیه می‌تواند از قبول آن امتناع کند یا نه، پاسخ منفی ارجح به نظر می‌رسد. صدور آزادی مشروط منوط به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام و موافقت دادگاه صادرکننده حکم محکومیت است و پیش از آن شورای طبقه بندی زندانیان که رییس زندان نیز عضوی از آن است (دبیر شورا) درباره شایستگی محکوم علیه نظر خود را بیان می‌کند. پس از آنکه حسن اخلاق و رفتار زندانی در مدت اجرای حبس به تایید رئیس زندان رسید، نام او را در شمار محکومان واجد شرایط آزادی مشروط به قاضی اجرای احکام پیشنهاد می‌کند. قاضی اجرای احکام پس از بررسی و احراز شرایط مورد اشاره، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم می‌کند. دادگاه مختار است که تقاضای آزادی مشروط را قبول یا رد کند و به این حکم دادگاه هیچ اعتراضی وارد نیست، زیرا آزادی مشروط حقی نیست که دادگاه مکلف به اعطای آن باشد، اما رد آن مانع از تقاضای مجدد نیست. بر اساس ماده ۱۲ «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت» مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۲۹ بررسی درخواست آزادی مشروط در دادسرا و دادگاه با قید فوریت و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. اعطای آزادی مشروط در اختیار قاضی دادگاه

^۱ - رأی وحدت رویه شماره ۷۳۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۸.

است، اما این اختیار منوط به شرایطی بوده که در قانون پیش‌بینی شده باشد و در این صورت است که می‌تواند مورد استفاده واقع شود. لذا برخی از این شرایط مثبت هستند مانند جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و برخی از آن‌ها منفی هستند مانند محرومیت از حقوق اجتماعی. بنابراین عدم ذکر شرایط آزادی مشروط و ضمانت اجرای آن و همچنین عدم رعایت مقررات قانونی آن باعث عدم اعتبار کم آزادی مشروط می‌گردد، اما تا وقتی که دادگاه آن را لغو ننموده این نهاد به قوت خود باقی است. اعطای آزادی مشروط منوط بر این شرط است که محکوم علیه نصف مدت مجازات حبس را گذرانده باشد ملاک احتساب در این موارد، مدت زمانی است که در حکم دادگاه قید شده و حکم محکومیت باید در حال اجرا باشد. محدودیت تحمل نصف مجازات حبس مانع از آن نیست که محکوم نتواند قبل از انقضای نصف مدت در خواست آزادی مشروط نماید، اما حکم به آزادی با پایان گرفتن نیمی از مجازات امکان دارد. از دیگر شرایط اعطای آزادی مشروط گذراندن قسمتی از دوران محکومیت می‌باشد. بنابراین تا زمانی که محکوم میزان مقرر محکومیت خود را در زندان سپری نکرده باشد حق استفاده از آزادی مشروط را نخواهد داشت. علت این امر آن است که مجرم میبایست مدتی را در زندان گذرانده و حداقل به طور نسبی اصلاح شده باشد تا بتواند از آن برخوردار شود و فقط در این زمان است که میتواند تشخیص داد که مجازات مقرر در مورد او موثر بوده یا خیر. شرایط مربوط به محکوم علیه از دیگر شرایط آزادی مشروط بوده که عبارتست از: (۱) حسن اخلاق و رفتار توسط محکوم (۲) پرداخت ضرر و زیان مدعی خصوصی (۳) شرط عدم تکرار (۴) عدم استفاده از آزادی مشروط. شرایط شکلی در ارتباط با محکوم علیه عبارتند از: (۱) درخواست آزادی مشروط توسط زندانی (۲) لزوم قبول شرایط و ترتیبات قانونی از سوی زندانی. شرایط در ارتباط با مقامات پیشنهاد دهنده: (۱) پیشنهاد آزادی مشروط (۲) تأیید پیشنهاد آزادی مشروط و صدور حکم (۳) شرایط آزادی مشروط (۴) مرجع اعطای آزادی مشروط.

۴- دلایل توجیهی پذیرش آزادی مشروط

هدف اصلی و مهم مجازات، اصلاح و تربیت مجرم برای بازگشت مجدد او به جامعه است، حال چنانچه این هدف قبل خاتمه مدت محکومیت تحقق یابد، عقل سلیم و مناطق حکم می‌کند که متهم زودتر از موعد مقرر از زندان آزاد شود. آزادی مشروط می‌تواند در مخارج عمومی کشور صرفه‌جویی شود و به افراد صالح جامعه هزینه نگهداری زندانی تحمیل نگردد. در غیر این صورت افراد جامعه ناچارند به طور غیرمستقیم هزینه آن‌ها را متقبل شده و این وجوه بی‌جهت صرف عده‌ای از افراد شود که حقوق جامعه را نادیده گرفته‌اند. نهاد آزادی مشروط با مطمح نظر قرار دادن امکان اصلاح محکوم در آن و توجه به تمهیدات محکوم محبوس که دارای حسن اخلاق نادم از عملکرد گذشته است. بتواند با رجعت مجدد به موقعیت قبل از محکومیت هر چند پس از تحمل نصف مجازات حبس، منتفع اجتماع زندگی و نیز حق متعلقه گردد. محکوم مجبور است برای رهایی از

بازداشت، قوانین مدونه را رعایت کرده و پس از آزادی نیز برای مدتی طبق شرایط مقرر عمل کند. (صانعی، ۱۳۹۳: ۳۰۳) در زندان، افرادی با سالیان دراز تخلف و کسب مهارت در این زمینه با زندانیان تازه وارد و یا با افرادی که واقعا مرتکب تخلف نشده ولی به علت اشتباه قضایی محکوم به مجازات حبس شده‌اند، ممارست نموده و انتقال تجربه می‌نمایند. لذا آزادی مشروط بهترین انگیزه است برای محکومین در زندان تا از خود، حسن سلوک و رفتار نشان داده و مقررات زندان را به موقع به اجرا بگذارند. (آخوندی، ۱۳۹۳: ج ۳، ۱۰۴)

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد این نتیجه حاصل می‌شود که آزادی مشروط علاوه بر اینکه باعث کاهش جمعیت زندانیان و نیز کاهش هزینه‌های دولت می‌گردد، تأثیر بسیار مثبتی بر عملکرد فرد زندانی می‌گذارد و او ضمن تلاش برای تغییر در اخلاق و رفتار خویش، برای ورود به اجتماع آماده می‌گردد. همچنین آزادی مشروط زندانیان را برای بازگشت به مقام و طبقه اجتماعی قبلی خود مهیا می‌سازد. در رابطه با شرایط مربوط به حکم آزادی مشروط در قانون سابق محکوم علیه می‌بایست نصف مجازات را تحمل کرده و سپس تقاضای آزادی مشروط نماید. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در رابطه با محکومان به حبس بیش از ده سال قانون از نظر قبلی خود پیروی کرده، اما در رابطه با سایر موارد پس از تحمل ثلث مدت این امر امکان پذیر است که به نظر می‌رسد قانونگذار با مسامحه بیشتری نسبت به این مورد برخورد نموده است. در باب تشریفات شکلی اعطای آزادی مشروط در قانون جدید دچار تحولاتی شده است. به عنوان نمونه صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندان‌ها و تأیید دادستان و یا دادیار زندان بود اما در قانون جدید شرایط تغییر کرده و در این مورد آزادی مشروط پس از گزارش رئیس زندان می‌بایست توسط قاضی اجرای احکام به تأیید برسد و در صورت تنفیذ وی، پیشنهاد آزادی مشروط به دادگاه تقدیم شده تا قاضی پیرامون آن اتخاذ تصمیم نمایند. در باب تغییرات قانون در مورد تبعات و آثار آزادی مشروط، قانون قدیم در صورت تخلف محکوم از شرایط مقرر دادگاه و در صورت ارتکاب جرم توسط وی، بقیه محکومیت به حکم دادگاه صادر کننده حکم به مرحله اجرا در می‌آمد. اما در قانون مجازات جدید در صورتی که محکوم علیه از دستورات دادگاه سرپیچی نماید در مرحله اول اقدامات تأمینی در مورد او به اجرا گذارده می‌شود و یک یا دو سال به مدت آزادی مشروط اضافه می‌گردد و در صورت تکرار یا ارتکاب جرم جدید، علاوه بر مجازات جرم جدید باقی ماده و مدت حبس نیز به مرحله اجرا در می‌آید. به نظر می‌رسد بهتر بود با توجه به نوآوری‌هایی که قانون گذار در قانون جدید ایجاد نموده نهادی را برای نظارت و کنترل بر افراد در دوره آزادی مشروط پیش بینی می‌نمود. اما متأسفانه نهاد مراقبتی لازم پیش بینی نشده است و شاید بتوان مجرم را در آینده از طریق نظارت الکترونیکی

تحت کنترل قرار داد. همچنین آزادی مشروط را نمی‌توان به عنوان جایگزین مناسبی برای زندان به حساب آورد، زیرا هدف ما از اعمال جایگزین های حبس اینست که از ورود شخص به زندان جلوگیری شود. در حالی که در آزادی مشروط محکوم می‌بایستی بر اساس قانون جدید یک سوم حبس را تحمل نماید. به نظر می‌رسد در این مدت اثرات منفی زندان تا حدودی تأثیرات منفی خود را بر روی فرد بگذارد.

منابع

- آخوندی، محمد (۱۳۹۳) آیین داری کیفری، ج ۳، چ ۴، تهران: انتشارات گنج دانش.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، تقریرات دوره دکتری حقوق جزای عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- باهری، محمد (۱۳۹۲)، شرح حقوق جزای عمومی، چ ۱، تهران: انتشارات دادگستر.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۲۰، تهران: انتشارات ژوبین با همکاری انتشارات مجد.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم و احمدی ناطور، زهرا (۱۳۹۴)، درآمدی بر رویکردهای نوین قانونگذار در نظام آزادی مشروط، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۷۲.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- صانعی، پرویز (۱۳۹۳) حقوق جزای عمومی، ج ۲، چ ۱۰، تهران: انتشارات میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۹۲)، زمینه حقوق جزای عمومی، چ ۳۴، تهران: انتشارات گنج دانش.